



www.zabanebartar.com

معرفی مشاغل (قسمت دوم)

بخشدار (Demarche)

The previous demarche has changed because of inefficiency.

بخشدار قبلی به دلیل بی کفایتی تغییر کرد.



ساربان (Cameleer)

We saw a cameleer in the desert.

ما در کویر یک ساربان دیدیم.



www.zabanebartar.com



شورا (Council)

The city council is considering a ban on smoking in restaurants.

شورای شهر ممنوعیت کشیدن سیگار در رستوران ها را در نظر دارد.



چوپان (shepherd)

The shepherd was sleeping. He trusted his faithful dog.

چوپان خوابیده بود. زیرا به سگ وفادارش اعتماد داشت.



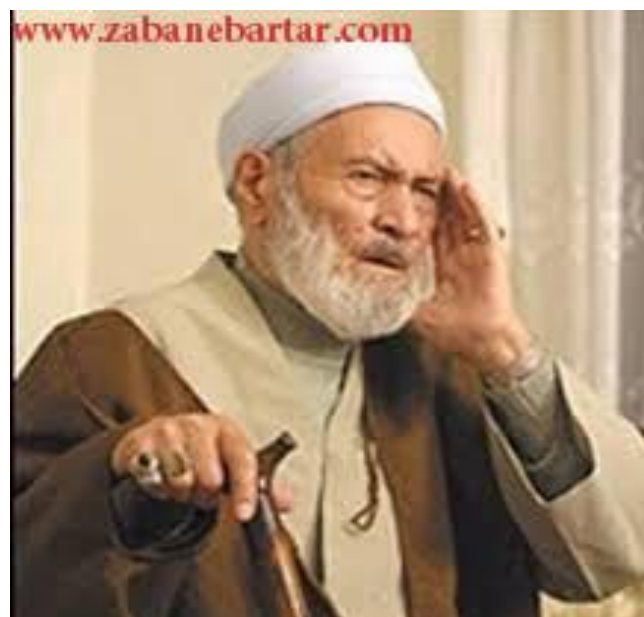
www.zabanebartar.com



مؤذن (Muezzin)

Rahim Mouazenzade is the most famous Iranian muezzin.

رحيم مؤذن زاده مشهورترين مؤذن ايراني است.





www.zabanebartar.com

خانه ساز (House maker)

House makers are usually rich people.

خانه سازان معمولا انسان های ثروتمندی هستند.



شیشه ساز (Glass maker)

The Mr. Glass maker is my friend. I break 3 glasses a weak while playing soccer.

آقای شیشه ساز دوست من است. من هر هفته در حین فوتبال بازی کردن ۳ شیشه می شکنم.





www.zabanebartar.com

مدیر زن (Headmistress)

Our high school headmistress was a bad-tempered woman.

مدیر دبیرستان ما یک خانم بد اخلاق است.



قایقران (Boatman)

The boatman couldn't sail his boat because of the bad weather.

قایقران به دلیل هوای نا مساعد نتوانست قایقش را براند.





www.zabanebartar.com

رفتگر (Street Sweeper)

Street sweepers work all night long.

رفتگران تمام طول شب را کار می کنند.



روحانی (Clergy man)

The clergy man warned the people about the committing sins and going to hell.

روحانی به مردم راجع به ارتکاب گناه و رفتن به جهنم هشدار داد.





www.zabanebartar.com

متخصص (Specialist)

His disease is serious. He should visit a specialist.

بیماری او وخیم است. باید به متخصص مراجعه کند.



خوشنویس، خطاط (Calligrapher)

I asked a calligrapher to write a happy birthday message for him from me.

من از خطاطی خواستم که یک پیام تبریک تولد از طرف من برای او بنویسد.





www.zabanebartar.com

قصاب (Butcher)

He was a little too kind to be a butcher.

او برای قصاب بودن کمی زیادی مهربان است.



جنگلبان (Forester)

The forester saved the ones who were lost in the forest.

جنگلبان کسانی که در جنگل گم شده بودند را نجات داد.





www.zabanebartar.com

ساعت ساز (Watch maker)

Citizen is one of the biggest watch maker companies all over the world.

سیتیزن یکی از بزرگترین کارخانه های ساعت ساز جهان است.



بقال (Grocer)

Ask your local grocer if he sells organic fruits and vegetables.

از بقال محله تان بپرس که آیا میوه و سبزیجات ارگانیک می فروشد؟





www.zabanebartar.com

تلفنچی (Operator)

She has a nice voice and is hired as an operator.

او صدای زیبایی دارد و به عنوان تلفنچی استخدام شده است.



آذینگر (Decorator)

We asked a professional decorator to design our wedding hall.

ما از یک آذینگر (دکوراتور) حرفه ای خواستیم که سالن عروس مان را تزئین کند.





www.zabanebartar.com

ارتشی (Army man)

My friend's father is a strong army man.

پدر دوست من یک ارتشی قوی است.



عینک ساز، چشم پزشک (Optician)

I can't see clearly. I should visit an optician.

من نمی توانم واضح ببینم. باید به چشم پزشک مراجعه کنم.





www.zabanebartar.com

فرماندار (Governor)

The soldiers must obey whatever the governor says.

سربازان باید از هرچه که فرمانده می گوید اطاعت کنند.



کشاورز (Farmer)

The farmers try hard to increase exports.

کشاورزان برای افزایش صادرات به شدت تلاش می کنند.





www.zabanebartar.com

خیاط زنانه (Dress maker)

This dress is designed by one of the best dress makers of the city.

این لباس توسط یکی از بهترین خیاطان شهر طراحی شده است.



خیاط مردانه (Tailor)

Who is this suit's tailor? It's fantastic!

خیاط این کت و شلوار کیست؟ این فوق العاده است!





www.zabanebartar.com

دامپزشک (Veterinarian)

We couldn't find a veterinarian and the poor animal died.

ما نتوانستیم دامپزشک پیدا کنیم و حیوان بیچاره هلاک شد.



داروساز (Pharmacist)

The pharmacist caught an error in the prescription's dosage.

داروساز در دوز نسخه ایرادی پیدا کرد.





www.zabanebartar.com

شکارچی (Hunter)

Hunters shouldn't hunt the Iranian cheetahs anymore.

شکارچیان دیگر نباید یوزپلنگان ایرانی را شکار کنند.



محیط شناس (Ecologist)

The ecologists believe that human is destroying nature and environment cruel.

محیط شناسان معتقدند که انسان بی رحمانه در حال تخریب طبیعت و محیط زیست است.





www.zabanebartar.com

گوینده خبر (News announcer)

The News announcer announced that unfortunately the Tehran- Yasouj plane has crashed the Dena Mountain and we have lost 72 countrymen.

گوینده خبر اعلام کرد که متاسفانه هواپیمای تهران - یاسوج به کوه دنا برخورد کرده است و ۶۶ تن از هموطنانمان را از دست داده ایم.



ملوان (Sailor)

The sailor have been travelling on the oceans for 6 months.

ملوان ۶ ماه بر روی اقیانوس ها در حال سفر بوده است.





www.zabanebartar.com

کارگر ساختمان (Construction Worker)

He is afraid of high places. So he can't become a construction worker.

او از ارتفاع می ترسد. بنابراین نمی تواند کارگر ساختمان شود.



کفش (Shoemaker)

The shoemaker told me that this shoe isn't worth repairing.

کفش به من گفت که این کفش ارزش تعمیر کردن را ندارد.





www.zabanebartar.com

روزنامه نگار (journalist)

He is the journalist who has won 2 awards for 2 of his stories.

او همان روزنامه نگاری است که برای ۲ داستانش ۲ جایزه برنده شده است.

